



● در کمین عماد

اشاره این متن برشی است از روایت رابرت بایر، مأمور سابق سی‌آی‌ای از تلاش‌ها و اقدامات پانزده ساله‌اش برای دستگیری و پیدا کردن ردی از عماد مغنیه. برخی از ادعاهایی که بایر در مورد عماد مغنیه مطرح کرده، حتی نام بعضی افراد و اطلاعات مربوط به آن‌ها، صرفاً ادعای شخص بایر بوده و او حتی یک برگ سند و مدرک دال بر اثبات این ادعاها ارائه نداده است.

بوده است. وضعیت مغنیه تا ۱۴ ژوئن ۱۹۸۵ (۲۴ خرداد ۱۳۶۴) و هواپیمارایی پرواز ۸۴۷ شرکت TWA از فراز آن و فرود آن در فرودگاه بیروت، نامعلوم بود. یکی از عوامل ما مغنیه را مغز متفکر این هواپیمارایی معرفی کرد که با اطلاعات ارائه شده از سوی دولت الجزایر در مورد وی، به عنوان فردی که برای خود کار می‌کند انطباق داشت. همین اطلاعات کافی بود تا وزارت دادگستری ایالات متحده، مغنیه و سه نفر دیگر را به جرم این اقدام محاکمه کند.

هنگامی که در اتاق دیوی ایستاده بودم، همه این اتفاقات در ذهنم بود. سرانجام گفتیم: «ما باید از جایی که نقطه ضعف مغنیه است، به او ضربه بزنیم.» دیوی حرف‌های مرا متوجه نشده بود. من ادامه دادم: «ببین دیوی! فرض کن سه مورد درست باشد: مغنیه واقعاً گروگان‌ها را در اختیار داشته باشد، مغنیه به خانواده‌اش علاقه داشته باشد و آن‌ها برای بازگرداندن گروگان‌ها هر کاری خواهند کرد. اگر همه این واقعیت‌ها درست باشد، ما می‌توانیم با ربودن تعدادی از اعضای خانواده مغنیه، با او برای مبادله گروگان‌ها به مذاکره بپردازیم.» این ایده خوبی بود، اما سیا علاقمند بود که در حاشیه به

لویس» رئیس دفتر شبکه سی‌ان‌ان نیز یک ماه بعد روبرو شد. همه این افراد، غیرنظامی بودند، اما در مورد باکلی، ما فردی با کوهی از اسرار را از دست داده بودیم.

یک سال پس از روبرو شدن باکلی، سیا هیچ مدرکی در مورد گروگان‌گیران واقعی وی و دیگران نداشت؛ اما دولت الجزایر به ما اعلام کرد که یک جوان شیعه مسلمان از منطقه جنوب لبنان به نام «عماد فائز مغنیه»، باکلی، جرمی لویس خبرنگار شبکه سی‌ان‌ان، بنجامین ویر استاد دانشگاه و لورنس مارتین جنکو را به گروگان گرفته است. تا پیش از سال ۱۹۸۲، مغنیه برای سازمان آزادی‌بخش فلسطین به ریاست یاسر عرفات کار می‌کرد، اما الجزایری‌ها به ما گفتند که اینک او برای خودش کار می‌کند. براساس اطلاعات این منبع، او خواهان مبادله گروگان‌هایش با هفده زندانی در بند در زندان‌های کویت بود که مظنون به بمب‌گذاری و انفجار سفارت‌های آمریکا و فرانسه هستند. یکی از این افراد «مصطفی بدرالدین» برادر همسر عماد

در ساعت ۳۸:۱۰ صبح ۱۶ مارس ۱۹۸۴ (۲۶ اسفند ۱۳۶۲) من در خانه‌ام در بیروت در حال نوشیدن سومین فنجان و خواندن روزنامه «هرالد تریبون» یک هفته پیش بودم که بی‌سیم دو طرفه‌ام بوق زد. جان بود. او گفت: «هر چه سریع‌تر بیا. وقتی به دفتر رسیدم، او با صورت بیمارگونه و مریضی که داشت، گفت: «باکلی دزدیده شده!» آن روز صبح «بیل باکلی» رئیس دفتر سیا در بیروت در راه رفتن به دفترش در بیرون از آپارتمان مسکونی خود روبرو و پس از انتقال به یک خودرو به جایی نامعلوم برده شده بود. هیچ کس نتوانسته بود پلاک خودروی گروگان‌گیران و یا قیافه آن‌ها را شناسایی کند. سازمان جهاد اسلامی یکی از گروه‌هایی که مسئولیت انفجار سفارت ما را بر عهده گرفته بود، طی بیانه‌ای اعلام کرد که باکلی در دست ماست؛ اما ما همچنان هیچ چیزی در مورد هویت آنان نمی‌دانستیم. البته «باکلی» اولین آمریکای‌ای نبود که بعد از اشغال لبنان توسط اسرائیل در سال ۱۹۸۲ به گروگان گرفته شده بود. علاوه بر او «دیوید دوچ» و «فرانک رگیور» استاد آمریکایی رشته مهندسی برق در دانشگاه آمریکایی بیروت نیز در فوریه ۱۹۸۴ روبرو شده بودند. «جری